



۳۹۵

چکامه سرایان امروز تاجیکستان

کارنامه

مجله انجمن پژوهشی شعر و ادب پارسی

xalvat.com



میرم ازین پس ، که من زنده ام
چو تخم سخن را پراکنده ام

پیشگفتار	علی شریعت
- نگاهی به رستاخیز و گسترش زبان پارسی و بازتاب آن در شعر	
آزارکامی و خودآزارکامی در شعر پارسی	جلال خالقی مطلق
آهوی کوهی ابوحنفص سعیدی	ژیلبر لازار
وسرچشمه های رباعی در شعر پارسی	
چکامه سرایان امروز تاجیکستان :	
مرگ حکیم فردوسی یا روز ماتم خدا	سلیم شاه حلیم شاه
- عزیز دارید	
بیگانه بیگانگی	گلرخسار
- بنده آزادی زندان خود	
زبان مادری	بازار صابر
انجمن پژوهشی شعر و ادب پارسی	
مقاله هابه فرانسه (شارل هانری دو فوشه کور، باقر پرهام، کریستیان ژامبه، افشار نادری)	



KÂR NÂMEH

Revue de l'Association pour la Recherche
en Littérature Persane

Articles et poèmes en persan

Ali SHARIAT

A. SHARIAT
l'extension

Djalal KHALEGHI MOTLAGH

Gilbert LAZARD

Les poètes du Tadjikestân d'aujourd'hui :

Salim Shâh Halim Shâh , Golrokhsâr , Bâzâr Sâber

Articles en français :

Ch.-H. de FOUCHÉCOUR

Ch.-H. de FOUCHÉCOUR

Bagher PARIHAM

Christian JAMBET

AFCHAR NADERI

L'Association pour la Recherche en Littérature Persane
et ses objectifs

xalvat.com

Editorial

Regard sur la renaissance et
de la langue persane

L'expression du sadisme
et du masochisme en poésie persane

Le chamois d'Abu Hafis de Soqdiane
et les origines du Robâi

Hâfez l'étranger

Le poète persan entre tradition
et liberté aux temps médiévaux

Shâh-Nâmeh: Les grandes lignes
d'une nouvelle problématique

Remarques sur l'indicible
et ses formes selon Rûmi

Djâmi, une "paternité littéraire"
persane dans le Fou d'Elsa



چکامه سرایان امروز تاجیکستان

xalvat.com

«انجمن پژوهشی شعروادب پارسی» برای شناساندن هرچه بیشتر ادب پارسی برآنست تا با نهادهای ادبی و چکامه سرایان و نویسندگان پارسی زبان سرزمین های ایرانی همکاری نزدیک داشته باشد. در این راستا تاکنون هاس های شعر بخشی صورت گرفته است. از جمله دست آوردهای این تلاش ها همکاری بیدریغ سه چکامه سرای بنام تاجیکستان، استاد سلیم شاه حلیم شاه، خانم گلرخسار و آقای بازار صایر با انجمن ما بوده است. ایشان با فرستادن سروده های اخیر خود برای انجمن به محتوای نشریه ادبی ما بُعد تازه و غنای بیشتری بخشیده اند. از بلند همی ایشان سپاسگزاریم. انجمن از آقای دکتر مسعود میرشاهی، مسنول امور اجرایی «انجمن رودکی»، که در تهیه سروده ها و در برگردان آنها از سیریلینک به پارسی و نیز برای تهیه چکیده ای از زندگی نامه این چکامه پردازان سخت کوشیده اند سپاسگزاری می کند.

سلیم شاه حلیم شاه

سلیم شاه حلیم شاه در سال ۱۳۱۵ در دهکده «دیوک» بدخشان چشم به جهان گشوده است. وی دوره دبیرستانی را در «خاروق» (مرکز بدخشان) به پایان برده و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته تاریخ و ادبیات تاجیکی باانجام رسانیده است. سلیم شاه حلیم شاه کارهای فرهنگی خود را در بخش ادبیات و هنر «روزنامه تاجیکستان شوروی» آغاز کرده و پس از چندی بدیریت این روزنامه برگزیده شده است. در سال ۱۳۶۹ با همکاری تنی چند از فرهنگ دوستان مجله پارسی زبان «پیوند» را انتشار داده و کارهای اجرایی آن را در دست گرفته است.

وی از چند سال پیش بایندسوی پژوهش در باره «جغرافیای اوستا» و «ایران زمین نخستین» (ایران ویج) پرداخته، و در این زمینه مقاله های بسیاری را در نشریه های تاجیکستان به چاپ رسانیده است. او هم اکنون استاد ادبیات اوستایی



دردانشگاه خاروق است .

سلیم شاه حلیم شاه از چکامه سرایان بشام تاجیکستان بشمار می آید .
نخستین دفتر شعر او بشام «راه قله» در سال ۱۳۴۴ بچاپ رسیده است . دیگر
آثار شعری او عبارتند از: «کشتی انقلاب» ، «هرج انسان» ، «مادر» ، «امضای
کین» ، «هفت خوان بدخشان» و «کشور چاودانی» . «مرگ حکیم فردوسی یا روز
ماتم خدا» از جمله سروده های استادانه و میهنی اوست .

xalvat.com

«مرگ حکیم فردوسی یا روز ماتم خدا»

برفت مهرپس کوه و روی پنهان کرد
بدهر سوی سپه زال شب پریشان کرد
چوپیرخسته دل و خسته روح و خسته روان
زمین نگاه عم انگیز سوی کیهان کرد
شمال سره زدل آه دردناک کشید
بسوزخویش ، بیان سوز درد دهقان کرد
خبربرفت خدارا که رفت «فردوسی»
نهفته این خبر بد به دهر نتوان کرد
بگشت تیره زغم روی مهربان خدا
که عرش را برخ تیره اش شبستان کرد
عزیز او زازل داردش زاهل سخن
که با سخن بجهان کارخویش آسان کرد
که باغبان روح بود شاعری بروی زمین
که با نوای سخن سینه ها گلستان کرد
خدا که خود بیقین طبع شاعری دارد
بشعر، شور دل عاشقان بسامان کرد
دل خلاق او بی سخن بیابان بود
بلطف طبع ، گلستان ازاین بیابان کرد
کتون گذشت زایران زمین حکیم سخن
که زنده روح بزرگان پاک ایران کرد



زمیوه دار درختی که درجهان پرورد
 به بهره ازسختش باغ عمرانسان کرد
 بحفظ راه حقیقت ستود رستم را
 حساب کار جهان را بکام دستان کرد
 بروح پاک ، سیاوش گذشت از آتش
 بروی تیره دلان راستی درخشان کرد
 ببرد باردگر کاوه را سر سندان
 بنفس آهن او روی خویش سندان کرد
 گریست سخت چومادر به مام سهراب xalvat.com
 که سنگ را زغمش نیز سخت گریان کرد
 به دجله زان سبب انداخت طفل دارا را
 که با خبر او را ز راز طوفان کرد
 برفت همره اسفندیار سوی نبرد
 بلطف طبع ، رهایش زبرق و باران کرد
 بساخت کارجهان را و رفت خود زجهان
 میان زپرده ، رخ خوب حق پریشان کرد
 کسی به دهر بیاد خورده زمیوه او
 تواند اوبه جهان کار خیر و احسان کرد
 خدا بخواست به روحش دمای خیرکند
 نظر به طوس زگلزار اخترستان کرد
 شتید او ز سر آن جنازه شامسر
 ورا بحکم شریعت بکفر اعلان کرد
 نرفت مصلحتی بردنش به خاک مرار
 که او یلک عمر ستایش زنا مسلمان کرد
 زروی شرع به باغش ب خاک بسپردند
 شب سیاه سر تریتش گل افشان کرد
 خدای را عجب آمد خداپرستی خلق
 خدای را زه احکام شرع حیران کرد
 که دهر خود زازل در نوا زساز وی است
 زجهل مطرح اعجاز او مسلمان کرد



ز ابتدای جهانش بسینه شک دارند
 به انتهای جهانش چه صدق بخیان کرد
 ز پشت کتاوه و سام اند و متکر پدرند
 ز منکران پدر ، چون امید پیمان کرد ؟
 چو در بهارنگاری ، بهرگان چه بوی ؟
 به نوبهار جهان ، دانه گشت ، دهقان کرد
 چو علم و حکمت ایرانیان کنند انکار
 چگونه دل به ره چین و هند و یونان کرد
 خدا بخید مسلمان گرفت ، خویشتر است
 از این گرفت یقین ، قصر عدل ویران کرد
 بجست بین خلائق بسی «دقیقی» را
 که او بطبع خوشش تازه روح ایمان کرد
 که او ببلخ به اجداد خود ز سرو بلند
 نهاد منبر و رحمت به جان ایشان کرد
 ز دست بنده ورا گشته دید در ته خاک
 تهید دل به غمش اشک روی سوزگان کرد
 بدخواست خیمه بشعرش که در فلک بزند
 شهید راه قلک گشت و خاک گریان کرد
 زمین بدیده او بود تاج چرخ برین
 ببین که تاج برینش چه جبر بر جان کرد
 دل خدای ز ایران و بلخ تیره بگشت
 نگاه ، او بامیدی ، به خاک توران کرد
 جهان دید بپشمان در وکی «تیره»
 که او بشعر دل و دیده روشنیستان کرد
 فضا بگفت به بخداد عدل و اهل همیز
 که کاغ دولت ملت بصدق بشیان کرد
 بدید تیره هان را ز چرخ در غضب اند
 که در صداقت شاعر ز کذب بهتان کرد
 به چشم روشن شاعر بخشم میل کشید
 که سردهگوی به شعرش ز مهر پزدان کرد



فکند بر سر آتش ز شمر کشور دل
 و باد ، خاک دل عاشقان پریشان کرد
 سرگناه سپس دست بردسوی سما
 گناه خویش چو رفتار نیک برهان کرد
 که روز نیک و دل صاف و دولتش بدمد
 که خود براه خدا کار حق بفرمان کرد
 خدا بگشت یسی ناامید و سخت کریست
 که روی بام جهان اشک دیده باران کرد
 که من بسازم و تو سوزیش ، چه کاراست این
 بباید که بتو سر حساب چبران کرد

xalvat.com

« عزیز دارید »

گردون کشد عشق اختران را
 چون سینه که مهر دلبران را
 آورد نوای تی به پروانه
 بر دشت و دمن کیوتران را
 از گنبد عشق نامه آورد
 سیمرغ خجسته دختران را
 گلبانگ سحر کشید در رقص
 از صحن چمن صدوبران را
 زه بوسه ز عرش مهر آدم
 سر منزل مهر پروان را
 افتاد و بخست ، صبح یوسید
 پای قدم سمنبران را
 آواز خوش از بهشت آمد :
 دارید عزیز مآوران را
 نوروز ز لعل جام چم بست
 دلپسین ما حیر کوران را



در کشور جسم نمیره عاشق
گویید زمن سخنوران را
راهسی بکنید کشور دل
هست ایسن ره حسق دلاوران را

xalvat.com

گلرخسار

خادم گلرخسار، چکامه سرای تاجیکی، بسال ۱۳۲۶ در يك بخش کوهستانی در دهستان «بخج» چشم بجهان گشوده است. پس از به پایان رسانیدن دوره دانشگاهی و دریافت دانشنامه خود از دانشکده تاریخ و ادبیات تاجیکستان سرهگیری چندین روزنامه و نشریه، از جمله نشریه «جوانان و فرهنگ» را بهعهده داشته است. زمانی عضو «مجلس نمایندگان» شوروی پیشین و نیز رئیس «بشپناه فرهنگ تاجیکستان» بوده است. وی هم اکنون عضو هیئت دبیره «اتحادیه نویسندگان شوروی»، «اتحادیه نویسندگان آسیا و آفریقا»، «بشپناه فرهنگ شوروی» و رئیس «بشپناه فرهنگ بین المللی تاجیکی در مسکو» می باشد. او تاکنون برنده چندین جایزه ادبی در تاجیکستان و شوروی پیشین بوده است.

از خادم گلرخسار بیش از بیست دفتر در زمینه های نظم و نثر و نمایشنامه به چاپ رسیده است. «آتش سفید»، «آگهواره سبز»، «آکینه روزه»، «مستقیم»، «روح پاکتوز»، «تمسینه کومستان» و «زادروز درد» از جمله کارهای ادبی اوست. از او «سریناه سایه خورده» بزبان تاجیکی و «خورشید بدون سونه» (۱) به زبان پارس بژوهی از چاپ بیرون می آید. «بیگانه بیگانگی» و «بده آزادی زندان خود» از سروده های اخیر اوست که در اینجا به چاپ می رسد.

« بیگانه بیگانگی »

رفته ام از یلها بیگانه بیگانگی
بسته ام پرروی مشتاقان در جانانگی
حسرت پرواز دارم، قدرت پروانه نه
می کشم بار پر و بالم چو مرغ خانگی

(۱) - سونه نقاش معروف فرانسوی است.



امن من اشک پشیمانی است از مستانگی ۱

آسمان دل زور عاقل را به جاهل داده است
 چاره بی چارگی زن بود مردانگی
 دشمن مرد و سزاواری خدا بومن نداد
 دشمن خود گشته ام از علت فرزاندگی
 هر که را سستی بپسنگ افتد مرا بگیره نشان
 زنده بادا بپیکر آیهاد در ویوانگی
 عشق الهام الهی بود و خوارش کرده ام
 در تلاش مسند دیوان و در دیوانگی

xalvat.com

رفته ام از یادهای بیگانه بیگانگی

۱۱ بنده آزادی زندان خود ۰

خاردر دل ، پهلوی در گل مانده ام
 از قریب عمر عاقل مانده ام
 بس که در قباب منا زیستم
 در نقاب خواب کاهل مانده ام
 بلا بودستی هم فضل و فن ام
 فیلسوف مکتب قیل مانده ام
 بود شاهی و طرح انعام من ،
 غم فروش حسرت دل مانده ام
 مرده بان مشق گلبیز بهار
 با خزان سرد و قاتل مانده ام
 سرک جاهل را خدا آسان کند
 تا بداند از چه فاضل مانده ام
 زندگی گرین من بگذشت و رفت
 بلسراب هرزه میل مانده ام
 بی سفینینا سفینینا نور پرد
 بلسیه زادن به ساهل مانده ام
 مرده روح مرا تابوت نیست
 در دیار خویش سائل مانده ام



«بندۀ آزادی زندان خود»
بهاغه دنیا مقابل مانده ام ...

xalvat.com

بازار صابر

بازار صابر در سال ۱۳۱۶ در «فیض آباد» تاجیکستان متولد شده است . وی تحصیلات دانشگاهی خود را در شهر دوشنبه به پایان برده است . در سال های اخیر زمانی ضایعۀ مردم بخش «فیض آباد» بوده و همزمان به هواداری از «دموکرات ها» پرداخت . با شکست سیاسی این گروه ، از کارهای سیاسی کناره گیری کرد و چندی بعد به زندان افتاد . او زمانی است که از زندان آزاد شده است .

بازار صابر از شاعران بنام تاجیکستان است . چکامه های او آئینۀ تمام نمای رویدادهای فرهنگی و سیاسی در این سرزمین می باشد ؛ از اینرو او را «تاموس تاجیکستان» نامیده اند . او برنده «جایزۀ رودکی» - که از بزرگ ترین جایزه های ادبی تاجیکستان است - می باشد . «آتش بزرگ» ، «چشم سپیدار» و «با چمیدن با چشیدن» از جمله کارهای ادبی او می باشد . چکامۀ «زبان مادری» از سروده های تازه اوست .

« زبان مادری »

هرچه او از مال دنیا داشت ، داد
خطۀ بلخ و بخارا داشت ، داد
سختی والا و دیوان داشت ، داد
تخت سامان (۱) داشت ، داد
دشمن دانشگدایش دانش سینا (۲) گرفت
دشمن بی سنتش دیوان مولانا گرفت
دشمن صنعت فروشش (۳) صنعت بهزاد (۴) برد
دشمن بی خانه اش در خانه او جاگرفت
داد او از دست گرز رستم و سهراب را
نام خود را هم چو گور رودکی از یاد برد
بربران (۵) ناتوانی را توانا کرده او
قاتلان خویش را مشهور دنیا کرد او
قامت کوتاه منتقت (۶) از مشار کله اهل خراسان شد بلند



xalvat.com

پستی صحرای قیپان (۷) از بلندی بدخشان شد بلند

خلق تاجیک

خلق آرمان

آب در چشم

چون یتیمان

در لبش خشم

چون اسیران

از وطن تا بر کفن هریود و نایودی که بود

بر کفن طلب وطن طلبنده ها بخشیده داد

دشمن درویش خود را شاه دارا کرد و خود درویش شد

در میان تنگ چشمانی (۸) که در چشمانشان

سالهای تنگی را می دید او

که در آتش

که در آب

ته به ته با سوختن های منار سفیدیانش (۹) سوخت سوخت

با خرابی های دیوار و در افراسیپاش شد خراب

لیک لفظ مادریش همچو نام مادرش

در زبان و در دهانش

ماند ، ماند

هرسخن باشیر مادر سخت اندر استخوانش ماند ماند

خود بخود در گوشه خاک دیار

از جدایی ، از غریبی او گریست و

گریه ها بر آبشاران یاد داد

لفظ کوهستانی (۱۰) و باد و باران یاد داد

رودها را رودکی خوان کرد او

بازها را اتوری (۱۱) خوان کرد او

روز نآبادیش تاجیک زبان آباد کرد

در زبانش دولت بی دولتی بنیاد کرد

دولت از حروف وزین

دولت از شعر رنگین

از چنان شعری که هرینک مصرعش



xalvat.com

جویه ای از خون سربازان او
 پاره نوری از آتش های زرتشتان او
 گوئیا چون صید مجروح او جراحت های خود را
 گشته و برگشته لیسید
 با زبان خود دوا کرد (۱۲)
 در سرایش ، تاجیک ازبخت نگون
 گرچه با کبر و مسلمان همسرا بود ، همسرا
 هم رسول و هم خدا بود
 در زبان ما جدا بود
 از سر صد منبر افتادند ناظرهای او
 تا نه افتند از زبان خویشان
 پرسرصد دار جان دادند شاعرهای او
 تانیفتد بر زمین قدر سخن
 در حد و سرحدشناسی جهان
 سرحد تاجیک ، زبان تاجیک است
 تازبان دارد وطن دارست او
 تازبان دارست بسیارست او.

- ۱- اشاره به سامانیان است .
- ۲- « دانشنامه ملانی » از ابن سینا .
- ۳- یعنی فرهنگ فروش .
- ۴- بهزاد نقاش بنام او آخر دوره تیموری و اوائل عهد صفوی .
- ۵- یعنی « تازیان » .
- ۶- مدقت ها سلسله ای از فرمانروایان چغنیایی مغولی بودند که در آسیای مرکزی حکومت می راندند .
- ۷- دشت قپچان در آسیای مرکزی .
- ۸- « تنگ چشمان » یعنی مفلان .
- ۹- سفیدیان گروهی از مردم آریا نژاد آسیای میانه بودند که فرهنگ و تمدن باستانی آنان دستخوش حمله تازیان شد .
- ۱۰- خراسانی .
- ۱۱- انوری چکامه سرا و دانشمند ایرانی سده هشتم هجری است .
- ۱۲- مقایسه ایست شاعرانه با آهویی که بهنگام مجروح شدن با لیس زدن به محل زخم ، خود را مداوا می کند .